

چگونه مانند شازده کوچولو زندگی کنیم

استفان گاربه

مترجم: ایلناز شیرعلیان



انتشارات گوتنبرگ

سرشناسه	گارنیه، استفان، ۱۹۷۴ - م. Garnier, Stéphane
عنوان و نام پدیدآور	چگونه مانند شازده کوچولو زندگی کنیم / استفان گارنیه؛ مترجم ایلناز شیرعلیان؛ ویراستار محمد بصام.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات گوتنبرگ، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۳۳ص: ۱۴/۵x۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۵۷۷۳-۲۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Agir et penser comme le Petit Prince.
یادداشت	کتاب از متن انگلیسی با عنوان "How to live like the Little Prince: a grown-up's guide to rediscovering imagination, adventure, and awe, 2022." به فارسی برگردان شده است.
موضوع	خودسازی (Psychology) Self-actualization
موضوع	سنت اگروپری، آنتوان دو، ۱۹۰۰ - ۱۹۴۲ م. شازده کوچولو
موضوع	راه و رسم زندگی Conduct of life
شناسه افزوده	شیرعلیان، ایلناز، مترجم
شناسه افزوده	سنت اگروپری، آنتوان دو، ۱۹۰۰ - ۱۹۴۲ م. شازده کوچولو
رده بندی کنگره	BF۴۳۷
رده بندی دیویی	۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	۹۶۲۰۵۷۶



چگونه مانند شازده کوچولو زندگی کنیم

نویسنده: استفان گارنیه

مترجم: ایلناز شیرعلیان

ویراستار: محمد بصام

طراح جلد: زریناز عزیزمحمدی

صفحه آرا: هادی عادلخانی

نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۴۰۳

تیراژ: ۹۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۷۳-۲۱-۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد و هر گونه استفاده به هر شکل بدون اجازه

کتابی ناشر پیگرد قانونی دارد

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۱۲، انتشارات گوتنبرگ

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۳۹۹۸ . gutenbergpublication @ www.myketab.com

مشهد، خیابان احمدآباد، مقابل محتشمی، انتشارات جاودان خرد

تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۳۴۵۲۷

www.ketab.ir

فهرست

۹..... سرآغاز

۱۱..... بر روی یک ابر

چگونه مانند شازده کوچولو

۱۶..... به جهان متفاوت نگاه کنیم

۲۲..... مصمم و بااراده باشیم

۲۷..... از واقعیت فرار کنیم

۳۱..... تفاوت بین آنچه مهم و آنچه ضروری است را بدانیم

۳۵..... مراقب خودمان باشیم

۴۰..... از رؤیای خود محافظت کنیم

۴۵..... عشق بورزیم

۵۰..... ورق زندگی مان را برگردانیم

۷ چگونه مانند شازده کوچولو زندگی کنیم

عصیان‌گر باشیم و فاسد نشویم.....	۵۵
فروتن بمانیم.....	۵۹
کنج‌کاو و ماجراجو بمانیم و از همه چیز شگفت‌زده شویم.....	۶۳
با چیزهایی که داریم احساس ثروتمندی کنیم.....	۶۸
کاری را که دوست داریم انجام دهیم و در کاری که انجام می‌دهیم احساس مفید بودن کنیم.....	۷۳
نشان و اثر خود را در جهان بگذاریم.....	۷۸
از سوی دیگران درک شویم.....	۸۳
به دیگران متصل شویم.....	۸۷
برای زندگی کردن وقت بگذاریم.....	۹۲
خود را از قضاوت دیگران رها کنیم.....	۹۷
جست‌وجو را متوقف کنیم تا شروع به یافتن دوباره کنیم.....	۱۰۱
آزاد باشیم.....	۱۰۶
درک نشدن از سوی دیگران را بپذیریم.....	۱۱۰
فرا‌تر از واقعیت را ببینیم و آنچه نامرئی است را در آغوش بگیریم.....	۱۱۴
معیارهای قضاوت‌مان را تغییر دهیم.....	۱۱۸
باور داشته باشیم و امیدوار بمانیم.....	۱۲۳
ترک کنیم، رها کنیم و تنها نباشیم.....	۱۲۷
به ابر خود برگردیم.....	۱۳۱
آیا می‌توانی شازده کوچولو‌ی اعماق وجودت را در آینه ببینی؟.....	۱۳۳

سرآغاز

برای درک مفاهیم عمیق کتاب شازده کوچولو، پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌است. میل به رمزگشایی برخی از نمادها یا جست‌وجوی معانی پنهانی که آنتوان دو سنت-اگزوپری در کتاب خود به کار برده منطقی است، اما این شیوه خواندن شازده کوچولو با رویکرد من بسیار متفاوت است.

من می‌خواستم بر روی خود شازده کوچولو متمرکز باشم، بر روی حرف‌ها، تردیدها، جست‌وجوها، ارزش‌ها و رویاهایی که برایش عزیز است و ایده‌هایی که به اشتراک می‌گذارد.

آنچه در یک کتاب ضروری است فقط چیزی نیست که نویسنده از ما می‌خواهد درک کنیم، بلکه آن چیزی است که ما خودمان می‌خواهیم بفهمیم. شازده کوچولو نمونه یک روش از روش‌های زندگی است که با شیوه بیشتر مردم بسیار متفاوت است. من می‌خواستم بر روی شخصیت شازده کوچولو تمرکز کنم. انگیزه‌های او و نیروهای محرک زندگی‌اش را بفهمم تا درک کنم این مرد کوچک، این جادوگر، در زمان یا زمان‌هایی از زندگی ما، چگونه بر روی بسیاری از ما - با هر سن، فرهنگ یا زبانی - این‌گونه تأثیر داشته‌است. چگونه ما را تکان داده، لمس کرده، مجذوب کرده و باعث شده‌است که برای خود رؤیایی داشته باشیم.

در نهایت، در حین بازخوانی کتاب - کاری که مدت‌ها انجام نداده بودم - افکار او را پذیرفتم. سپس آن‌ها را با زندگی خود تطبیق دادم و اکنون در این کتاب، با شما به اشتراک می‌گذارم.



بیش از شروع به خواندن این کتاب، تمام رؤیاها و آرزوهایی را که هنگام کودکی درباره زندگی آینده‌ات در سر پرورانده بودی پایین همین صفحه یادداشت کن.

صادق باش و به صادقانه‌ترین آرزوهایی که در آن زمان داشته‌ای فکر کن. به سادگی آنچه را که در گذشته بیش از هر چیز دیگری برای خود می‌خواستی به خاطر بیاور، حتی اگر امروز به نظرت دور از ذهن باشد.

www.ketab.ir



«همهٔ بزرگسالان زمانی کودک بوده‌اند... اما فقط تعداد کمی

از ما آن را به خاطر می‌آوریم.»

خلبان

بر روی یک ابر

اولین بار چه زمانی شازده کوچولو را خواندم؟ به خاطر نمی‌آورم.

من هم مانند بقیه می‌دانستم که آن را خوانده‌ام. اما با گذشت

زمان چه چیزی از آن در خاطرم مانده بود؟ نخستین بار، چه زمانی

فهمیدم که واقعاً چه چیزی می‌خواهد به من بگوید؟ در سال‌های بعد،

چه درس‌هایی از آن آموختم؟

برگردیم به آن اولین بار...

به زمانی قبل از این که بزرگ شوم، قبل از این که عقل‌گرا شوم، قبل از

این که به دنیای بزرگ‌ترها قدم بگذارم، دنیایی که به من گفته شده بود

واقعیت است. اولین بار... قبل از این که فراموش کنم...

«روزی روزگاری شازده کوچولویی بود.» حتی اگر آنتوان دو سنت-

اگزوپری هرگز نخواست به کتاب را با این کلمه‌ها شروع کند، افزودن

«روزی روزگاری» به داستان، به معنای بازگرداندن بخشی از جادوی آن

برای برگرداندن برخی از رؤیاهایی است که همهٔ ما در کودکی داشته‌ایم

و باور به این که جادو حقیقتاً وجود دارد.

شازده کوچولو بسیار فراتر از یک کتاب بلکه پدیده‌ای جهانی است،

پدیده‌ای که به سیصد زبان و گویش ترجمه شده‌است. اما بدون در نظر گرفتن موفقیتش، داستان شازده کوچولو همیشه بخشی از ما باقی می‌ماند، داستانی که از دوران کودکی ما شروع شده و در طول سال‌ها، به شکل گرفتن ادامه می‌دهد. شازده کوچولو بخشی از خود ماست که گاهی تصمیم می‌گیریم با گذشت زمان، تا آنجا که ممکن است، آن را از وجودمان دور کنیم تا در طی مسیر بزرگسالی و در مواجهه با فرصت‌های پیش‌رو، گام‌های بلندی برداریم. انحراف از این مسیر، یعنی مسیر بالغ شدن، هرچه بزرگ‌تر می‌شویم، سخت و سخت‌تر می‌شود.

در آغاز، همان‌طور که اولین قدم‌های خود را در کودکی برداشتیم، مسیر پیش‌رو پُر از درختان، گل‌ها، پرندگان و مزارع بود. کم‌کم که بزرگ‌تر شدیم و در این مسیر به جلو حرکت کردیم، دیوارهای کوچک شروع به پوشاندن کناره‌های راه کردند. سپس کمی دورتر در پایین جاده چند پرچین بلند و بلندتر شدند.

در راه بزرگسالی، این مسیر باید دنبال می‌شد. دور زدن، انحراف از آن و بازگشت به عقب در هر لحظه ناممکن شد. مجبور بودیم مستقیم به جلو ادامه دهیم.

خیلی زود چند مانع و نرده چوبی در لبه جاده پدیدار شدند. سپس نخستین دیوارها، سنگ به سنگ ساخته شدند و با پیچک پوشیده شدند و بعد، آجر به آجر بلند و بلندتر شدند. آن قدر بلند شدند که بعد از ساعتی مشخص، جلوی خورشید که برای گرم کردن ما می‌تابید، گرفته شد. و با بالا آمدن دیوارها، سایه‌هایی شکل گرفت که بزرگ و بزرگ‌تر در برابر نماها ظاهر می‌شدند.

هرچه بیشتر به جلو رفتیم، بدون هیچ انتخاب دیگری، از داستان‌ها

و جادویی که دنیای کودکی مان را تعریف می کرد دور شدیم. همه چیز متعارف، حساب شده، منطقی، ملموس، محسوس و اثبات پذیر شد. همه چیز باید روی کاغذ معنا می داشت، با پوشه هایی که باید بررسی می شد. با ورود به بزرگسالی، فلسفه سنت توماس^۱ - مبنی بر تنها باور داشتن به چیزی که می توانست با چشمان خود ببیند - جایگاه افتخارآمیزی پیدا کرد. جادو تمام شد. جادو تمام شد.

این رویکرد درست برعکس دنیای شازده کوچولوست، دنیایی که همه ما وقتی کودک بودیم، تجربه کردیم و داستان ها و فیلم نامه هایی خیالی - پُر از هیولاها، خدایان، پادشاهان، ملکه ها و سرزمین هایی برای فتح کردن - از خودمان ساختیم، به گونه ای که دنیای کودکی ما هر روز زیباتر و در برابر چشمان ما بزرگ تر و درخشان تر می شد.

امروز شازده کوچولو نشانی از این است که ما در کودکی چه کسی بوده ایم. شخصیتش نشان دهنده حقایق درونی ما پیش از گذشت زمان است. شازده کوچولو باقی مانده سنگ فیلسوفی^۲ است که می تواند با کودکی که دیروز بوده ایم سخن بگوید، سنگی که اگر بخواهیم، می تواند دیدگاه ما را نسبت به جهان و زندگی تغییر دهد، سنگی جادویی که بر افکار ما تأثیر می گذارد تا این دیوارهای خاکستری بلند را که در مسیر زندگی بزرگ سالانه تنگ و تنگ تر می شوند، به توری از نخ های طلایی تبدیل کنیم تا بار دیگر نور از میان آن ها بگذرد، تا از تابش بر روی هر طومار طلایی اش، نور خورشید و گرمای آن جهان ما را روشن کند و همان طور که مسیر زندگی را ادامه می دهیم، ما را در سال های باقی مانده عمرمان گرم کند.

۱. یکی از بزرگ ترین فیلسوفان دینی عیسوی که کتاب هایش از طرف کلیسا قانوناً به رسمیت شناخته شده و پایه فلسفه عیسوی را تشکیل داده است.

۲. «سنگ فلاسفه» ابزاری در کیمیاگری است که تصور می شده می تواند فلزهای پایه را به طلا تبدیل کند.

قرار نیست طلا برای همیشه در صندوقچه‌ای محبوس بماند، بلکه باید آن را کاشت و برداشت کرد. شازده کوچولو امروز هنوز اینجاست تا هیچ‌یک از ما نتوانیم آموزه‌های طلایی‌اش را فراموش کنیم.

آیا ما توانایی کشف دوبارهٔ کودکی را داریم که هنوز در هریک از ما وجود دارد؟ اگر بله، چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟

چه می‌شد اگر شازده کوچولو دفتر خاطرات سفر درونی خود را برای شما می‌گشود تا بتوانید بار دیگر به جاده بازگردید و دوباره نگرش دوران کودکی خود را در دنیایی که گاهی کمی دیوانه می‌شود پیدا کنید؟

www.ketab.ir

و شازده کوچولو من به من گفت:

برای این که بدانی چگونه بچه باقی
بمانی، باید یک نفس بزرگ داشته باشی
یا به سادگی خودت را دوست داشته
باشی.

